

خوبی برای بعضی از امامان جمعه شهرستانها و نمایندگان مجلس نبود که با چهره هایی در مقام اجرایی روزه رو ششوند که همفکرشان نبودند.

اما صد روز نخست با خبری بد و خسری خوب برای دولت و نظام توأم بود. اول از همه خبر پد رسید و آن سخنان و نامه های آیت الله آذری قمی و آیت الله حسینی منتظری بود که هر دو ابعادی تازه به انتقادات خود داده بودند که پیش از آن نیز گهگاه مطرح کرده بودند. آقای منتظری بعد از عزل و کناره گیری از جانشینی رهبری در فروردین ۶۸ انتقاد می کرد اما این بار صحنه متفاوت بود. آقای آذری قمی در همه سه سالی که از دبیری جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و

نخستین جلسه مجلس، حجت الاسلام فاکر نامه ای را قرائت کرد (مشهور به نامه شش و یک) به خط امام خمینی خطاب به آقای منتظری. این نامه در همه سال های گذشته مکتوم مانده بود و حتی ری شهری وزیر وقت اطلاعات در خاطرات سیاسی خود به اشاره ای درباره آن بسنده کرده بود، روز بعد مرکز نشر اسناد امام، متن قرائت شده فاکر را بدون اعتبار خواند و نامه اصلی را منتشر کرد.

در این هنگام در قم راهپیمایی و سخنرانی بود که سرانجام به حمله به دفتر و خانه آقای منتظری و آذری قمی کشید، گاز اشک آور و گلوله های هوایی هم چاره نشد، عده ای حسینی و دفتر آقای



غلامحسین کرباجی

زعامت جناح راست و مدیریت روزنامه رسالت کنار گذاشته شد (وی این عمل دوم را کودتایی علیه خود به زعامت ناطق نوری و مهدوی کئی اعلان کرده بود) ساکت نبود ولی این بار فراتر از پیش رفت. روزنامه های هوادار سنت گرایان و جناح راست، انتقاد از سخنان قم را آغاز کرده بودند و جامعه مدرسین همدار داده بود که در شب میلاد امیرالمؤمنین آیت الله منتظری در حسینه جنب خانه خودمستنه رهبری و علمیت را پیش کشیده است به این ترتیب ضامن حوادث بعدی زده شد در

منتظری را اشغال کردند، بلندگو گذاشتند، پارچه نوشتند و به آن «فتح لانه جاسوسی دوم به دست حزب الله» لقب دادند. قضای سیاسی کشور ملتهب بود و انکش رئیس جمهور که شب هنگام در تلویزیون سراسری گفت «ولایت فقیه دیگر یک نظریه فقهی در کنار سایر نظریات نیست، اصل نظام است و در قانون اساسی ما هم آمده و مخالفت با آن هم مخالفت با نظام است» آبی بر آتش ها نریخت. جناح راست که به تحلیل مخالفانش بعد از شکست در انتخابات ریاست

جمهوری به دنبال فرصتی برای بازسازی نیروهای خود بود، با تمام توان به میدان آمد و روز جمعه ای به عنوان دفاع از ولایت مطرح شد. امامان جمعه و مراکز مختلف از مردم دعوت به حضور در راهپیمایی های گسترده کردند. در این میان روزنامه های هوادار جناح راست، از دفتر تحکیم وحدت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می پرسیدند که چرا با شدت و حدت آنها به میدان در نمی آیند، اما روز پیش از آن آیت الله خامنه ای در یک سخنرانی ضمن برشمردن مشخصات دشمنان و این که دشمن اصلی - یعنی آمریکا و اسرائیل - را رها نمی کنیم و دچار اشتباه نمی شویم و با تأکید بر این که از حق خود می گذرم ولی از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهم کرد از مردم خواستند «طبق قانون رفتار شود و هیچ حرکت غیرقانونی صورت نگیرد و کسی خیال نکند که برود و به خیال خود کسی را مجازات کند. نه، به عهده قانون است» سخن بازتر برای هاشمی رفسنجانی ماند که در یکی از مهمترین خطبه های خود در نماز جمعه تهران به تشریح روند انتخاب رهبری در مجلس خبرگان پرداخت، جواب مخالفان را داد و در نهاییت با لحن آرامش جو از منتقدان خواست اگر پیشنهاد اصلاحی دارند بدهند تا بررسی شود. اشتباه هائی که در این روزها رخ داد دیگر تکرار نشود. دولت جدید می خواهد کارش را شروع کند و لازم است آرامش باشد.

خبر بد پایان یافت، گرچه عده ای در قم بازداشت شدند اما مملکت آرامش گرفت تا به استقبال خیر خوب برود که بریائی کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران بود، شکست نامنتظر تیم ملی فوتبال ایران در قطر - که حضور این تیم را در مسابقات جام جهانی تقریباً غیرممکن می کرد - و به هیجان آمدن مردم علیه مسئولان ورزش هم توانست شیرینی بریائی آبرومند این کنفرانس را از یادها ببرد، به ویژه که همزمان با آن بمب سیاست خارجی ایران ترکید، رئیس جمهور خاتمی در مصاحبه ای با کریستین امانپور سرگزارشگر شبکه ماهواره ای سی.ان.ان با زبانی با جهانیان

سخن گفت که همگان از لابه لای آن صدای تحول و تغییر را شنیدند. کلینتون رئیس جمهور آمریکا و خانم آلبرایت رئیس دیپلماسی آن کشور، باز اول برنامه های خود را کنار گذاشته به تماشایش نشسته بودند، نه فقط فضای تازه ایران را به جهانیان وانمود که کریستین ایرانی الاصل را عنوان «بانوی اول رسانه های گروهی عالم» بخشید.

هواهای شاد را حضور چند روزنامه جدید انعکاس بیشتری داد، فردا، روزنامه ای بود که توسط احمد توکلی - سردبیر قبلی روزنامه رسالت و کاندیدائی که در انتخابات دومین دوره ریاست جمهوری هاشمی در برابر وی قرار گرفت - منتشر شد نوید حضور تفکری نوع دیگر را در میان جناح راست می داد. از آن سو، «جامعه» به مدیریت حمیدرضا جلالی پور و سردبیری ماشاالله شمس الواعظین عنوان اولین روزنامه جامعه مدنی را می داد. این روزنامه به سرعت جای خود را در میان جوانان و روشنفکران گشود. «صبح خانواده» نیز نشریه ای بود که حکایت از رویکرد بخشی از روزنامه نویسان حرفه ای به مسائل اجتماعی داشت. این هر سه روزنامه گرچه عمر درازی نیافتند و تعطیل شدند ولی انتشارشان آغاز دوران تازه ای از روزنامه نگاری ایران تلقی شد. تا آن زمان بار حمایت از توسعه سیاسی بردوش سلام و همشهری بود که از آن میان «همشهری» با آغاز دستگیری شهرداران و به هم ریختگی شهرداری تهران زیر فشار مضاعفی قرار گرفته بود که حتی مجلسیان نیز در پی راه حلی برای آن بودند.

قوه قضائی که با سخنان تند و گاه توأم با عصیانیت آیت الله یزدی در مصاحبه ها و سخنرانی ها به بحث اول مملکت تبدیل شده بود، در بازداشت ۱۲ روزه دکستر یزدی دبیر کل نهضت آزادی، افشای ماجرای شهرداران مناطق تهران در مدت بازداشتشان، بازداشت مرتضی فیروززی (سردبیر ایران نیوز) و اکبر گنجی مدیر هفته نامه راه نو، بازداشت هوفر بازرگان آلمانی و محکوم شدن وی به اعسادم در دادگاه اول، روزهای پرکاری را می گذراند اما بسم قوه قضائی وقتی منفجر شد



**مروری بر پیش در آمد جنبش دوم خرداد و چهار سال ریاست جمهوری محمد خاتمی**

## ۱۳۷۷، سال مطبوعات استیضاح، قتل ها

محاكمه مطبوعاتی دیگری که گزارش آن به تمام جهان مخابره گشت مربوط به فائزه هاشمی و روزنامه زن بود، بنابه شکایت سردار نقدی فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی. زن، نخستین روزنامه در ایران - و به روایتی در تمام جهان - بود که مسائل زنان را پی می گرفت. خاتم فائزه هاشمی - در آن زمان نماینده تهران در مجلس - با سرسختی در مقابل شاکی ایستاد و در مقابل شهادی را به محکمه آورد که نشان می داد خبری که در آن روزنامه منتشر شده افترا نبوده است. در پایان این ماجرا، روزنامه زن برای دو هفته تعطیل شد.

در ادامه کار و توقف روزنامه توس - که مهاجرانی وزیر ارشاد نیز موافقت خود را با آن اعلام داشت و از این جهت انتقادهای بسیار را به خود خرید - مجله آدینه پس از ۱۴ سال انتشار بنا به شکایت تشکیلات امر به معروف و نهی از منکر به محاق تعطیل افتاد، جامعه سالم مجله دیگری که به بی پروائی در طرح مباحث نظری اجتماعی و سیاسی مشهور شده بود برای همیشه تعطیل شد. شلجه نشریه ای که به ارگان گروههای فشار شهرت یافته بود نیز در این میان امتیاز خود را از دست داد.

و در همین جا بود که احمد بورقانی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد استعفا داد و دیگر تاب نیارود جوری را که براه قلم می رفت. او پیش از رفتن با قوه قضائی بر سر ماجرای روزنامه توس و توقیف آن درگیر شده بود. اهل قلم بر استعفای او افسوس خوردند. مراسم تودیعش نیز بی گفتگو نماند، او از اصرار خود بر توسعه سیاسی و از جمله آزادی بیان سخن گفت و خود را «چریک آزادی» خواند، دکتر مهاجرانی در نطقی که در مقام تجلیل از وی بیان کرد، در عین حال کنایه ای زد که دوران چریک بازی تسماس شده

بحران قیمت نفت و کاهش آن در ابتدای سال دوم دولت خاتمی به پائین ترین حد خود در ۱۸ سال گذشته رسید، تأثیر این حادثه در سرمایه گذاریها و پروژه های عمرانی بیشتر خود نمایی کرد گرچه مسئولان اقتصادی کوشیدند تا با اظهارات آرام کننده از اثر روانی آن بر قیمت ها و تورم بکاهند، اما گزارشها از توقف بورس تهران و کاسته شدن از مواد اولیه کارخانه ها و تشدید مسئله اشتغال می داد.

هنوز کلمات امید دهنده رئیس جمهوری در سالگرد دوم خرداد، در گوشها بود که محاکمه مدیر جامعه - اولین روزنامه جامعه مدنی - آغاز شد. جامعه در عمر چهار ماهه خود تحولی در فضای مطبوعات ایجاد کرده بود که نگاهها را به دادگاهی برگرداند که در آن شکایت ها علیه این روزنامه مطرح می شد. این خود سرآغاز ماجرائی بود که در طول سال ادامه یافت. چنان که وقتی دست اندرکاران جامعه روزنامه توس را منتشر کردند، به سرعت تیراژی برابر با جامعه، بلکه افزون از آن یافتند و در این زمان بود که آیت الله یزدی خیر از تصمیم قوه قضائی برای مقابله با روزنامه های اصلاح طلب داد. به گفته وی حقوقدانان و مسئولان قضائی به این نتیجه رسیده بودند که علاوه بر مدیران مسئول، نویسندگان را نیز می توان به اتهام نوشتن مطالب تند تحت تعقیب قرار داد. چنین بود که وقت تعطیل روزنامه توس که فرمان آن را آیت الله یزدی در نماز جمعه صادر کرد و با حمله گروهی به دفتر این روزنامه آغاز شد، به دستگیری جلالی پور، شمس الواعظین و ابراهیم نبوی انجامید که به اتفاق جوادی حصار به زندان انفرادی افتادند و تنها یک ماه بعد که خاتم جلالی پور - مادر سه شهید - به فغان درآمد و آزادی تنها پسر خود را از رهبر انقلاب خواست، آنان آزاد شدند.

از این جناح و دیگری از جناح راست). اما تا خرداد ۷۷ برسد هنوز روزهای نفس گیری برای اصلاح طلبان در پیش بود. محاکمه کرباسچی میلیون ها نفر را پای گیرنده های رادیو و تلویزیون میخکوب کرد، پیش از آن در تاریخ ایران، محاکمه ای تا بدین حد در سطح مردم مطرح نشده بود.

و درست در همان روزها، در قوه دیگری که مخالفان اصلاحات در آن اکثریت داشتند - مجلس - ماجرای دیگری آغاز شد، استیضاح عبدالله نوری وزیر کشور به ماه غسل تعارف و لبخند بین مجلس و دولتیان پایان داد. در حادثه ای ناباور، جناح راست موفق شد و با شادمانی پیروزی خود را جشن گرفت در حالی که عبدالله نوری لبخندی به لب داشت ولی در صف دولتیان دکتر حبیبی سر خود گرفته بود و دکتر مهاجرانی مبهوت بود. ساعتی بعد، رئیس جمهور عبدالله نوری را به عنوان معاون خود در امور توسعه سیاسی منصوب کرد - تکرار واکنش هاشمی رفسنجانی در برابر رای های کبود مجلس به محسن نوربخش وزیر دارایی اش - . نوری خود گفت «هشت ماه را هم تصور نداشتم که تحمل کنند» در این فضا فقط دو گل پیروزی تیم فوتبال ایران به تیم آمریکا می توانست چنان شادمانی در دل ها اندازد که جوانان تا صبح در شهرهای کشور نغمه خوان و رقصان در میدان آیند.

پس، اولین سالگرد دوم خرداد رسید. رئیس جمهور به میان جمع خروشان جوانانی رفت که عکس هایی از خاتمی و نوری و شعارهایی درباره جامعه مدنی و اصلاحات داشتند. هر چه کوشید آرامشان کند که شعار ندهند فایده نداشت اما سرانجام متانت محمد خاتمی که دیگر به عنوان پرچمدار اصلاحات تثبیت شده بود بر شورش جوانان چربید، شعارها از تندی افتاد و جای خود را به بیان آرامی داد که مخالفان در نهایت در آن چیزی نیافتند اما سوت و کف زدن جوانان چیزی بود که از آن نگذشتند.

که سرانجام و بعد از یک سال جنگ و گریز، غلامحسین کرباسچی را دستگیر کردند. این بازداشت گرچه چند روز بیشتر طول نکشید و به دنبال نامه رئیس جمهور به مقام رهبری که در آن خبر از پدید آمدن بحرانی در مدیران دولتی می دادند، به دستور رهبر - در روز عید غدیر - از زندان آزاد شد، ولی حادثه مهمی بود نه فقط از آن روز که پیش بینی سال قبل کرباسچی به وقوع پیوست و او در اوین جا گرفت بلکه از آن رو که حجابی را که همواره بین هاشمی رفسنجانی و جناح راست وجود داشت از هم درید. هاشمی که چند روزی، قبل از دستگیری شهردار، وی را با خود به عربستان برده و صدای محافظه کاران را بلند کرده بود، در نماز جمعه از شعر یک شاعر عرب مدد گرفت تا بگوید کسانی که فقط روغن شفاف را می بینند نمی دانند بر سر دانه های کبچد چه آمده و آن گاه به انقلاب پرداخت و بدون بردن نامی از کرباسچی و گله ای از زندانی شدن وی از آنها که دلسوز انقلابند اما زندان ندیده اند و نمی فهمند زندان چیست، انفرادی چیست و خیلی آسان این کارها انجام می شود گلایه کرد. و در این زمان بود که جمعی حاضر و آماده با فریاد «غارتگر بیت المال اعدام باید گردد» سخنان وی را بریدند. هاشمی مکشی کرد و به بحث دیگر پرداخت، این نخستین تعرض مستقیم به کسی بود که از ابتدای انقلاب، از این سو ناسزایی نشنیده بود. اما تندتر از آن سخن رسولی نژاد نماینده جناح راست بود که در مجلس، مستقیم رئیس جمهور سابق را هدف گرفت و از وجود اسناد و مدارک گفت و برای نخستین بار از «مافیای سیاسی و اقتصادی» یاد کرد که در مملکت وجود دارد و بحث «آقازاده ها» را پیش کشید و با اشاره به انتصاب علی هاشمی به معاونت وزارت نفت «برادرزاده آقا» را نیز به آن افزود. فضا آرام آرام چنان تند شده بود که عقلای دو جناح در مجلس ترجیح دادند انتخابات میان دوره ای تهران یک مرحله ای شود و همان ها که در مرحله اول رای بیشتر آورده بودند در جای نوری و دکتر معین بشینند (خانم کربویی و... یکی





است.

هنوز بهار بود که حادثه ای در کنار نماز جمعه تهران خبرساز شد. عبدالله نوری - در مقام معاون توسعه سیاسی ریاست جمهور - و دکتر مهاجرانی وزیر ارشاد در جمع نمازگزاران و آنهایی بودند که برای تشییع جنازه ۷۰۰ تن از شهیدان جنگ شوری دیگر داشت. در آن جا بود که عده ای یورش بردند و آن دورا مضروب کردند، عمامه نوری به زمین افتاد و اگر آمبولانسی نرسیده بود معلوم نبود جان به در برد، دکتر مهاجرانی که تا آخرین دقایق لبخند به لب داشت کتک خورد و یکی از انگشتانش آسیب دید. رئیس جمهور در اطلاعیه محکمی خواستار رسیدگی به حادثه و دستگیری ضاربان شد، به مدت کوتاهی بعد از آن اعلام گردید که چند تن مضروب شده اند. مهاجرانی فردای آن روز در ستون ثابت خود در روزنامه اطلاعات نوشت جز خشونت پرستان کسی مرعوب این شیوه های درمانده نمی شود. او برای اول بار خیر از حضور برخی افراد «نام و نشان دار» در جمع به عنوان محرک واقعه داد. کرباسچی که در آن زمان در رفت و آمد با دادگستری و تجدید نظر و استیناف بود از وجود افرادی با پیراهن سیاه و عینک دودی در جمع حمله کنندگان سخن گفت و عضو دیگر کارگزاران سازندگی - فائزه هاشمی - در این باره در روزنامه خود نامی هم از سردار نقدی نفر دوم نیروهای انتظامی برد، وی که در ماجرای دستگیری شهرداران متهم به حبس و شکنجه و آزار آنها شده بود، در آن روزها به صراحت از عمل خود دفاع می کرد. شلمچه در شماره ای که بعد از ضرب و شتم در نماز جمعه انتشار داد و در آن به طعنه نوشت «نوری و مهاجرانی خود را مضروب شدند» مصاحبه ای هم از سردار نقدی چاپ کرد که در آن ضمن مجرم دانستن کرباسچی گفته بود: «اولین بار رسانه های صهیونیستی این ها را سمبل سازندگی خواندند.» بعداً در جریان محاکمه مدیر روزنامه زن موضوع شرکت سردار نقدی مطرح شد و با حاضر شدن علیزاده طباطبائی به شهادت موضوع بیشتر باز شد. چنان که بعدها یکی از حمله کنندگان (فرشاد ابراهیمی) روایت دیگری

از ماجرا به دست داد.

ترور اسدالله لاجوردی رئیس سابق زندانهای کشور - در اوایل انقلاب، دادستان انقلاب مرکز - که نامش با حوادث سالهای ۶۰ و ۶۱ گره خورده بود، آنهم در زمانی که گفتگو از خشونت در فضای سیاسی کشور فراوان بود، نه فقط عنوان اصلی روزنامه های جناح مخالف دولت را به خود اختصاص داد، بلکه هواداران اصلاحات نیز از محکوم کردن آن خودداری نکردند و سازمان ترور را به عنوان گروهی که بیشترین ضربه را از اصلاحات در ایران می خورد به انتقاد گرفتند. در جنب این حادثه، سعید حجاریان در مقاله ای که مانند همیشه نامی بر آن نبود به نقد وصیت نامه منتشر شده لاجوردی پرداخت که در آن به اشاره اصلاح طلبیان بدتر از منافقین به حساب آورده شده بودند. اما سنگ بزرگتر به پای امیرانتظام قدیمی ترین زندانی جمهوری اسلامی خورد که یک سال بعد از بیرون ماندن از زندان، در مصاحبه ای بایک رادیو خارجی از لاجوردی به تندی یاد کرده بود. آنهم در فضائی که تشییع جنازه بزرگی برای وی برپا بود. چند روز بعد، امیرانتظام بنابه شکایت فرزند اسدالله لاجوردی به محلی برگشت که ۱۹ سال گذشته را در آن مانده بود. سوء قصد به محسن

رفیق دوست رئیس بنیاد مستضعفان نیز - گرچه نافرجام ماند - ولی بدون پیامد نبود. این سوء قصد را گروهی بنام «انصارجانبازان» به عهده گرفتند. با یخش خبر اعلامیه گروه انصار جانبازان رفیق دوست علیه خیرگزاری جمهوری اسلامی به دادگاه شکایت برد. چند روزی نیز یکی از مدیران خیرگزاری را به زندان بردند اما از آنجا که معلوم شد این خبر فقط روی تلکس ویژه - مدیران نظام - قرار گرفته و برای مطبوعات فرستاده نشده، با پس گرفتن شکایت توسط رفیق دوست، آزاد شد.

ترور نافرجام رازینی رئیس دادگستری تهران و تیمسار صیاد شیرازی - چهره آشنای جنگ تحمیلی و فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش که آخرین سمت وی جانشین رئیس ستاد مشترک بود - نیز در فضای پر گفتگو و شفاف مطبوعات بی آمدها داشت و بی گفتگو نماند. در ترور رازینی نامی از سپاه پاسداران به میان آمد که فوراً برای دستگیری عاملان وارد صحنه شده بود، این نام را سلام برد، اما سپاه پاسداران تکذیب کرد و در چند بار تایید و تکذیب آشکار گردید که گروه مهدویت به زعامت نوه آیت الله میلانی عامل این سوء قصد و بمب گذاری بوده و یکی از اعضای آن از اعضای

مراسم تشییع جنازه محمد جعفر پوینده



پیشین سیاه است. اما ترور صیاد شیرازی با آن که به روزگار خود بازهم مسئولیتش را گروه رجوی پذیرفت و گروههای خشونت طلب داخلی از آن علیه اصلاح طلبان و مطبوعات هوادار آنها بیشترین استفاده را بردند در روزهای بعد روایت های دیگری یافت.

انتخابات سومین مجلس خبرگان که کشمکش طولانی و شدید را بین اصلاح طلبیان و محافظه کاران پدید آورد و سرانجام با انصراف بخشی از روحانیون از حضور در آن و بحث های فراوانی که بر سر تعیین صلاحیت کاندیداها رخ داد و سرانجام با پیروزی محافظه کاران پایان یافت که رقیب چندانی در برابر نداشتند به کم رونقی آن رضایت دادند تا یک پیروزی در کارنامه خود ثبت کنند.

اما انتخابات شوراهای کشور - به تحقق رسیدن آرزویی که از انقلاب مشروطیت به عنوان انجمن های ایالتی و ولایتی در سراسر هواداران مردمسالاری بود - یک پیروزی بزرگ برای دولت اصلاحات ثبت کرد. در آغاز کار، اکثریت مجلس با سپردن نظارت این انتخابات به دست گروهی از متحیان خود - به ریاست موحدی ساوجی از تندترین مخالفان اصلاحات - و گسترشی که بعداً این گروه به اختیارات خود داد تا آن را «استصوابی» قرار دهد - و موفق نشد - خود را آماده به دست آوردن یک پیروزی دیگر کرد اما نتیجه کار چنان نبود، در تهران، که هسجنان پر اهمیت ترین نقطه در سراسر کشور بود، اصلاح طلبیان موفق شدند با ارائه نامهایی مانند عبدالله نوری و سعید حجاریان - که برای شرکت در این انتخابات از سمت مشاور رئیس جمهور گذشتند - کرسی ها را تقریباً یکسره از آن خود کردند، گرچه موحدی ساوجی تا آخرین لحظات حجاریان و عظیمیان - سردبیر روزنامه همشهری و از اعضای حزب کارگزاران - و حکیمی پور را واجد صلاحیت شناخت ولی کاری از پیش نبرد و هزینه ای بر دوش جناح همفکر خود گذاشت.

براین پیروزی باید، موفقیت های سیاست خارجی نیز افزوده می شد که محمد خاتمی در سفری به رم و دیداری با پاپ رهبر کاتولیکهای جهان، ابعاد بین